

اسلامی است باید اقتصاد ما اسلامی و برپایه طرح مدون و متخذا زقران و سنت باشد بازرگانی خارجی استفاده از منابع ملی و توضیح عادلانه تولیدات برای جلوگیری از استثمار زیر نظر دولت قانونی اسلامی صورت گیرد، در چهارچوب مسائل اسلامی اقتصاد ربوی با نک ربوی برداشته شود مالکیت های خصوصی طبق ضوابط اسلامی محترم باشد و هیچ الگو و ضابطه ای نظام اقتصادی غرب (سرمایه داری) و یا شرق (اشتراکیت) در طرح و پروگرام اقتصادی ما نخواهد بود .

ج- استقلال نظامی :

منظور از استقلال نظامی تشکیلات عسکری و نظامی است نظام حاکم بر ارتش از حالت خشک و پوسیده قبلی بیرون شود درجا معاً اسلامی باید ارتشی را بوجود آوردیم که کلیه آدم ملت در آن شریک و سهیم باشند و در خدمت مردم و متشکل از فرزندان مردم باشند تا در مواقع اضطراری که افغانستان در معرض تهدید قرار می گیرد تمام ملت بتوانند از سرزمین اسلامی خود دفاع نمایند برای رسیدن به ایجاب یک چنین ارتش اسلامی و مردمی نکات ذیل

مورد توجه است .

۱- تغییر سیستم های حاکم بر نظام های قبلی:

آنچه تا کنون بر ارتش ما حاکم بوده یا دسپلین غربی بوده و یا نظم و اصول شرقی و ما رکسیستی که هر دوی آن فاجعه آفرین بودند ما معتقدیم برای ایجاد یک ارتش مستقل و مردمی و همگانی نظم و دسپلین حاکم بر ارتش را تغییر داده و از نو بر اساس تعالیم جنگی اسلام ارتش نوین بوجود آورد .

۲- تربیت و همگانی بودن ارتش :

منظور از تربیت همان دانش نظامی است که باید ارتش ما بآن دانش آشنائی کامل داشته باشد و میتواند از آن بهره بگیرد و از خود ابتکارات در حد اختراعات و صنایع نظامی داشته باشد این مهم فقط در چوکات تربیت امکان پذیر است علاوه بر این نباید ارتش بصورت یک طبقه جدا از مردم باشد باید با پرگرام های درست حتی الامکان تمام اقشار که میتواند در دفاع مشترک ضد خارجی شرکت نماید و در آن سهم باشد را آموزش داده زمینه بسیج عمومی را همیشه فراهم نماید .

۳- عدم تعهد با پیما نهی نظامی شرق و غرب واقما رآنها :

ارتش افغانستان باید یک ارتش اسلامی مردمی دارای تربیت و صلاحیت و متکی بملت باشد لذا هرگونه وابستگی به پیمان های نظامی خارجی و دخالت مستقیم و غیر مستقیم مستشاران خارجی از نظر ما مردود بوده به استقلال ارتش مضراست .

د - استقلال فرهنگی :

اصولا " فرهنگ عبارت است از مجموعه عادات و رسوم و عنایات مذهبی ، معنوی ، ملی و تاریخی یک جامعه که اساس شخصیت آن جامعه را تشکیل میدهد لذا جوامعی که دارای عنایات غنی و انسانی هستند بهمان اندازه دارای تکامل انسانی و شخصیتی میباشند . اسلام که بزرگترین رسم و آئین ماست و در عمق وجدان و ضمیر ما جا گرفته و کلیه رسوبات و عنایات ملی ، جغرافیایی ، تاریخی ما تحت الشعاع فرهنگ و ارزشهای اسلامی قرار گرفته است شخصیت یک مسلمان که بر اساس تعالیم و فرهنگ اسلامی تربیت می شود باید قویترین شخصیت انسانی باشد لذا فرهنگ و تعالیم اسلام غنی ترین علیمانی است که مسلمان در متن آن پرورش می یابد

اینکه امروز مسلمانها را ضعیف می بینیم این عیب بگفته
 شاعر بزرگ در خود مسلمانهاست که از اسلام و اخلاق اسلامی
 دور است و تحت تاثیر فرهنگ جهان بیگانه قرار گرفته
 است و برای استقلال فرهنگی تکیه و توجه به تعالیم
 قرآنی ضروری است :

۱- با لایردن سطح فرهنگی جامعه :

جامعه ما و سطح آگاهی آن با پیدایش طریق آموزش و
 تربیت اسلامی در مکاتبات و مدارس با لایرونده برکت همین
 رشد است که اقوام گوناگون وطن اسلامی ما نسبت به
 یکدیگر دارای معرفت و شناخت می گردید و در کل با نفی
 خرافات و مبارزه با انحراف و تکیه به فرهنگ اصیل
 اسلامی در دو صورت مفهومی آن قرآن و سنت و صورت عینی
 آن پیامبر و عترت علیهم السلام. با پدید آمدن جامعه ایده آل
 اسلامی در سایه حکومت اسلامی بوجود آورد.

۲- ایجاد زمینه های رشد و شکوفائی و مبارزه با تعصب :

بلائی خانما نسوز در نظای گذشته تبعیض
 و تعصب جاهلانه بود لذا تمام افراد جامعه زمینه های
 لازم برای تعلیم و تربیت نداشته اند با پدید آمدن زمینه تعلیم و

تربیت برای همه مردم فراهم شود و هر کس به حسب لیاقت

و صلاحیت خود را رشد نمایی و سطح افکارش را با لارود .

۳- مبارزه با فرهنگ وارداتی ما رکسیزم و سرمایه داری :

نفوذ فرهنگهای بیگانه گاندها ملانحراف و فساد جامعه ما بوده ما با شدت با آن مبارزه خواهیم کرد و به جای آن تکیه به فرهنگ اصیل اسلامی خود می کنیم و این مهم را از طریق تعلیم و تربیت در مدارس و کتاب و مراکز علمی و فرهنگی ، و ضوابط و مقررات اجتماعی بر اساس اصول حقوقی و اجتماعی اسلام و ارزشا د و هدایت و تبلیغ همگانی میتوان عملی کرد .

۴- استفاده از تجربیات سایر ملل :

همانگونه که در بررسی های قبل گفتیم استقلال مفهومش قطع رابطه نیست ما با تمام جهان رابطه متقابل بر اساس احترام متقابل داریم از جمله در زمینه فرهنگی ما تمام سعی خود را در جهت استفاده از تجربیات سایر ملل بکار می گیریم و از صنایع و تکنولوژی معاصر که علم و دانش بشری است در جهت اهداف مقدس خود استفاده میکنیم بعنوان مثال در اشاعه فرهنگ و حقایق اسلامی باید از جدیدترین ابزار علمی (رادیو، تلویزیون، سینما

نشریات و خطوط ما و راههای استفاده کرد و ما طرفدار

آزاداندیشی و تکامل فکری در چوکات مقررات اسلامی

می‌باشیم، مبادلات امکانات و همکاری فرهنگی میان ملت‌ها را بر اساس ضوابط مذکور ضروری می‌دانیم

اصل دوم آزادی

دومین اصل استراتژیک و حیاتی اصل آزادی است مفهوم آزادی و تعریف دقیق و همه‌جانبه آن بحث تحقیقی و مفصل‌تری لازم دارد که بخاطر اختصار به ابعاد کلی آن اشاره می‌کنیم. از دیدگاه اسلام اصل آزادی بعنوان عامل رشد و زمینه شکوفائی استعدادها و خلاقیت انسان و تجلی و تبارز کمال آن در عینیت جامع‌مطرح است هدف آزادی رسیدن انسان به سوی کمال می‌باشد در ظل آزادی بشر می‌تواند به تکامل و تعالی شخصی و اجتماعی برسد از اینجا است که مرزبندی کمال و مشخص میان تفکر اسلامی با سایر اندیشه‌ها و مسلک‌های غربی و شرقی روشن میگردد مثلاً "در غرب و در فرهنگ نظام سرمایه‌داری آزادی فردی اصالت دارد، دموکراسی غرب دموکراسی فردی است و منافع جمع در خدمت

ممالح فرد قرا رمی گیردا مروز در غرب صاحبان صنایع
 بزرگ و کارتلها و تراستهاست که حرف نهائی را در تمام
 زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی،
 باید بزنند انتخابات در غرب یک بازی بیش نیست زیرا
 سرنوشت انتخابات را کسانی تعیین می کنند که جمعی
 را در شرکت های تولیدی خویش در خدمت دارند تعیین نظام
 دقیقاً بدست سرمایه داران بزرگ است جنگ و صلح، ممالح
 اجتماعی باید طبق منافع آنها باشد لذا آزادی و دموکراسی
 غربی هرگز قادر نیست اجتماع را و عوام مردم را به سعادت
 برساند بلکه در جهت خفه کردن جامعه و استحمار و استثمار
 جامعه است چنانکه شاهدیم توسط دموکراسی غرب و پزچمداران
 آن ملیونها انسان در آمریکای لاتین و آفریقا و
 قربانی می شوند اما در اسلام عکس این مطلب است آزادی
 در اسلام در جهت ارتقاء و تعالی جامعه است و هر عاملی که
 مانع وسد تکامل باشد با آن مبارزه می شود در غرب زن
 آزاد است اما چه نوع آزادی؟ آزادی زن در غرب برای
 عیاشی و رسوائی زن مطرح است و در جهت ابتدال و لجن
 مال کردن شخصیت اوست و این انحطاط است نه تکامل
 در دیدگاه نظام سوسیالیستی با زهم آزادی به شکل

متضاد و عکس آنچه در غرب است مطرح شده در جوامع
 ما رکسیستی جامعه آزاد است و هر آنچه که مانع جمع
 را به خطر اندازد با آن مبارزه می شود البته باید گفت
 آزادی اجتماع در تئوری ما رکسیزم آمده است و در صحنه
 عمل هرگز آزادی به اجتماع در نظایمهای سوسیالیستی
 داده نشده چنانچه در روسیه نظایم طبقاتی تزاریسم بنا
 جدید (سوسیالیزم) حکومت می کند به هر صورت فرد در
 نظایم چپ (ما رکسیزم) قربانی است و در مجموع بشر باید
 برده و تسلیم نظایم سوسیالیزم باشد و لا... چنانچه
 در تفکرات راستی ها (سرمایه داری) جامعه تباه و
 قربانی است اما در اسلام آزادی هم برای جمع و هم برای
 فرد مطرح است و هر یک از آزادی فردی با آزادی جمعی
 می تواند با هم ارتباط داشته باشند این دموکراسی
 جمعی و فردی در تمام مسأله ها مطرح می باشد مثلاً "فرد
 آزادی اقتصادی دارد و می تواند برای خود مالکیت
 خصوصی داشته باشد جامعه هم دارای بیت المال و ثروت -
 های عامه است در حوزه تفکر اسلامی کلیه پروگرامها
 فقط در یک جهت و آن حرکت به سوی الله است هدف فقط
 خداوند و رضای اوست و او کمال مطلق است ... نتیجه

اینکه هدف از آزادی در اسلام و تکامل و تعالی جمع و فرد می باشد نه اسارت جمع بدست افراد (سرما یه داری) و نه اسارت فرد بدست جمع (نظام ما رکسیستی). بنا بر این مادر افغانستان در سایه نظام اسلامی آزادی اسلامی می خواهیم که در آن زن و مرد، فرد و جمع ما درجهای رجوب تعالیم اسلام آزاد باشند فقط در ظل آن می توانیم جامعه خویش را به کمالات برسانیم آنچه در گذشته افغانستان جریان داشته نظامهای حاکم زدیدگاه ما نظامهای ضد اسلامی مستبد و خودکامه بودند ما در آینده با تمام قدرت با استبداد خلی در هر شکل و صورتی که باشد مبارزه خواهیم کرد آزادی در جامعه ما بعنوان یک هدف محوری در ابعاد مختلف سیاسی - اجتماعی - فرهنگی مذهبی و ... مورد نظر و خواست ماست و تا حالا آنچه که در جامعه ما وجود داشته است استبداد وستمچه از نوع غربی آن - نظیر نظامهای سلطنتی و چه از نوع شرقی آن نظیر حکومت اشغالگران روسی و بانداما رکسیستی خلق و پسرچم باشد ما با تمام مظاهر ذهنی و عینی آن مبارزه می کنیم و در مورد آزادی به نکات ذیل اعتقاد را سخ داریم :

۱- آزادیهای اجتماعی :

جامعه افغانستان ترکیب و مکا نیزم مخصوص به خود دارد

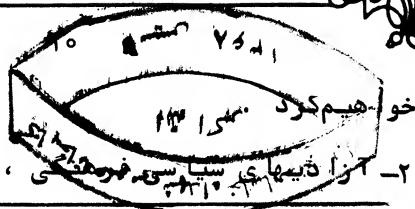
اقوام و ملیت‌های مختلف مذهبی، نژادی، زبانی
 (پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک، ایماق، نورستانی
 بلوچ و...) زندگی می‌کنند در گذشته آنچه بر ملیت‌ها
 حاکم بوده است بیداد و ظلم بوده نظام‌های فاشیستی و ضد
 اسلامی تمام ملیت‌ها را سرکوب می‌کردند و یا اینکه آتش
 نفاق و فتنه و جنگ‌های خونین مذهبی و نژادی راه-
 می‌انداختند تا با خیال راحت حکومت نمایند البته
 نظام‌های قبلی بنا بر ماهیت ضد اسلامی و فاشیستی که
 داشتند طبیعی بود که این جنایت‌ها را می‌کردند و لای
 درآینده اجتماعی و سیاسی افغانستان نباید فاجعه
 و مسائل گذشته تکرار شود ملیت‌ها و اقوام و قباایل
 و مذاهب باید بر اساس تعالیم اسلام را بطه دوستانه
 و برادرانه داشته باشند در قرآن آمده است (و جعلناکم
 شعوبا "و قبائل لتعارفوا") شعوب و قبائل باید بر اساس
 تعارف و شناخت حقوق و کرامت همدیگر را حفظ نمایند
 لذا درآینده ما خواستار آزادی‌های وسیع اجتماعی
 برای همه ملیت‌ها و اقوام و قبائل و مذاهب می‌باشیم
 و اسلام بین‌خواسته ما را برآورده کرده است و به هرگونه
 استبداد و فاشیستی گرائی جواب رد داده و مبرا رزه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

فلسفه تکوین و پیدایش هر مجموعه فکری سیاسی در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی در حقیقت مبانی و مواضع عقیدتی سیاسی آن مجموعه است، مبانی و عقیدتی سیاسی انگیزه‌های قوی و موثر در ایجاد تشکیلات‌های سیاسی بوده است زیرا تطبیق ایده‌آل‌های بزرگ در عینیت جا معه و هدایت جا معه در چوکات آن مستلزم این است که با دید بصورت جمعی و تشکیلاتی حرکتی را آغاز نماید تا بتواند با تفاهم و هماهنگی و با قدرت و توانائی هر چه بیشتر و غنی تر ارزشهای عقیدتی و ایدئولوژیکی خویش را اجرا نماید در رسم بشریت حاضر و گذشته در کلیه جوامع این بوده و در آینده نیز ما شاهد قوی ترین تشکیلاتهای سیاسی- نظامی- اقتصادی در جوامع بشری خواهیم بود.

بنابراین در واقعیت عینی و اجتماعی افغانستان



۲- آزادیها، سیاست، فرهنگ، مطبوعات:

در قرآن کریم اشاره روشن به این مسئله شده (فبشر عباد الذین یستمعون لقول فیتبعون احسنه) استماع سخن مخالف و موافق و تحمل نظرات و دیدگاههای مختلف سیاسی و بکار گرفتن بهترین آنها جهت حل معضلات و مشکلات از دستورات صریح قرآنی است و ما باید در نظام سیاسی آینده کار ملا به آن متعهد و وفا دار باشیم طبیعی است که ما در آینده احزاب مختلف سیاسی خواهیم داشت و تعدد احزاب اسلامی اگر در جهت اصولی حرکت داده شود باعث رشد و شکوفائی سیاسی و فرهنگی خواهد بود البته احزاب الحادی و مارکسیستی درجا معه ما به جهت خیانت و مزدوری و جاسوسی که تا کنون به روسیه نموده اند و زمینه ساز تجا و زروسها در افغانستان بودند جای پای نخواهند داشت اما احزاب غیر اسلامی نهضت اسلامی که اعتقاد به حاکمیت اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان ندارند به اعتقاد ما در چرخه رچوب مصالح اسلام و مقررات اجتماعی می توانند فعالیت نمایند در مورد مسائل

فرهنگی، ملیت و قومی که دارای خصوصیات کلتوری و -

فرهنگ مخصوص به خود هستند باید در جهت شکوفا ئی و توسعه
 تمام آنها حکومت اسلامی کوشش نماید لذا تمام ملیتها
 واحزاب سیاسی در چهارچوب مقررات اسلامی می توانند
 مطبوعات، مجلات، نشریات و رسانه های جمعی نظیر
 پروگرامهای رادیویی و تلویزیونی داشته باشند و
 می توانند آزادانه مروج فرهنگ و مبلغ آرمان و اعتقاد
 خود باشند.

۳- آزادی مذهبی :

یکی از حساسترین مسائل جامعه ما مسئله مذهب
 است پیروان مذاهب خصوصا "دومذهب بزرگ اسلامی
 (شیعه و سنی) در افغانستان زندگی می کنند و عمده ترین
 نقش را در بحرانی ترین شرایط افغانستان بعهده
 گرفته اند در جنگ استقلال افغانستان درجهاد علیه
 اشغالگران (انگلیسی، روسی) هر دو مذهب شهیدای
 بسیاری را تقدیم اسلام نموده اند درجهاد مقدس علیه
 اشغالگران روسی نشان داده شد و وحدت شیعه و سنی^{که} و
 پیوند اعتقادی این دو برادر چه قدر اهمیت تاریخی
 دارد؟ لذا به همان اندازه که وحدت آنها دارای اهمیت
 است به همان اندازه تفرقه مذهبی زیان بار خواهد

کننده خواهد بود امروز دشمنان اسلام وعوا مل آگاه و
 نا خود آگاه آن سعی می کنند وحدت شیعه و سنی را به هم
 بزنند و در فردای افغانستان آتش جنگ مذهبی را شعله ور
 نمایند ولی با دیدن این آرزو را به گور ببرند در فردای
 افغانستان با رعایت احکام فقه حنفی و جعفری و احترام
 کامل و واجب به این دو مذهب و سایر فرق اسلامی کاری
 ننماییم که همه نقشه ها و توطئه ها را خنثی نماییم .

با توجه به رعایت دقیق موازین اسلامی و احترام
 به آزادیهای سیاسی اجتماعی فرهنگی مذهبی ما
 می توانیم در آینده افغانستان جا معه و حکومتی را به
 وجود آوریم که مایه مباهات و افتخار ملت مسلمان ما و
 سایر ملل مسلمان در منطقه و جهان باشد چنانچه جنگ
 مقدس و خراج ارتش سرخ از افغانستان اساس یک
 پیروزی و مایه خرسندی تمام مسلمانها و آزاداندیشان
 می باشد در پایان این بحث نکته هایی را که باید به آن
 اشاره بنماییم آزادی زن در حکومت آینده افغانستان
 است .

۴- آزادی اجتماعی سیاسی و حقوقی زن در جامعه

گرچه استعمارگران شرق و غرب اینگونه تلقین
 ووا نمود کرده اند که اسلام و رهبران اسلامی طرفدار
 اسارت و انزوا و ذلت زن در جامعه است لذا در آیینده
 افغانستان زنان افغانستان از تمام حقوق اجتماعی
 و سیاسی محروم خواهند بود برخی اظهارات رهبران
 مذهبی که آشنایی ناقص از اسلام دارند و در دگم اندیشی
 بسر می برند مزید بر علت شده است ولی ما به صراحت
 اعلام می کنیم که ما مسلمان هستیم و حکومت اسلامی
 در افغانستان می خواهیم اسلام محمدی (ص) نقضش
 بسزائی برای زن در تمام بعدا ده زن در دیدگاه
 اسلام می تواند در تمام مصلحتها حضور فعال و موثر
 داشته باشد زنان قهرمان افغانستان و مادران و -
 خواهران عزیز ما هم انطوری که در صحنه جهاد و رویا رویی
 با دشمنان دوشادوش مجاهدین و برادران رزمنده شان
 حرکت می کردند و با ایثار و فداکاری ضربه های مهلکی
 به دشمن وارد کردند و در ساحه جهاد و جنگ نقش تاریخی
 خویش را انجام دادند و در فردای افغانستان با تمام
 قدرت و توان می توانند در صحنه های سیاسی اجتماعی
 حضور داشته و در سرنوشت جامعه اسلامی خود سهیم

و شریک باشندومی توانند در انتخابات شرکت نموده در

صورت صلاحیت وکیل، وزیر و رئیس جمهور باشند در اسلام برای زن آزادی کامل داده شده که هیچ حقی نباید از او تضييع شود حتی اجرت شیرکودکش را بعنوان یک حق از شوهر می توانند بگیرند پس چگونه و کدما حق اساسی زنان در جامعه اسلامی پامال می شود ؟

اصل سوم تشکیل حکومت اسلامی

شورای ائتلاف اسلامی بمثابة قوی ترین مجموعه تشکیلاتی، سیاسی مبارزه ای در موقعیت فعلی جهان دودر آینده افغانستان دارای خط مشی اصولی و مواضع سیاسی و استراتژیکی می باشد که گونه که تصویر کلی شعارهای محوری استقلال و آزادی شناخته شده اکنون می پردازیم به شرح و بسط دو شعار استراتژیکی : استراتژی جهاد مسلحانه و حکومت اسلامی .

۱- استراتژی جهاد مسلحانه :

این شعار به اعتقاد شورای ائتلاف اسلامی یکانه موضع گیری اصولی است که در راستای آرمانها و اهداف اصلی جهاد پس از کودتا و بدنبال آن اشغال افغانستان

قرا رگرفته زیرا می دانیم که عامل اصلی در شکست و ذلت
 روسهای پلید اشغالگر تداوم جها دمسلاحانه و ردهرگونه
 سازش و مصالحه با دشمن در کنفرانس ژنوبودر هبـرا ن
 مقاومت اسلامی و ملت مومن و مسلمان افغانستان در -
 جریان ۹ سال اشغال افغانستان تکیه و تاکیـد روی
 استراتژی جها دمسلاحانه داشتند و برای نیل به اهدا ف
 بزرگ انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی در -
 افغانستان تنها راه حل قضیه افغانستان را در نبـرد
 مسلحانه با دشمن اشغالگر و عوامل داخلی آن میدانند
 تجربه ۹ سال مقاومت علیه اشغالگران و ۱۰ سال
 مقاومت علیه کودتاگران ما رکسیزم پیروزی بزرگی را
 به دنبال داشت و آن اخراج نیروهای اشغالگر -
 افغانستان است اکنون که دشمن خونریز خا رج میشود ما
 با عوامل آن (رژیم ما رکسیستی) در داخل افغانستان
 هیچگونه تفاهمی نداریم و هرگونه ائتلاف و مصالحه
 را خیانت می دانیم موقف ما تداوم جهاد و سرنگونی رژیم
 وابسته و استقرار حکومت اسلامی در افغانستان می باشد

۲- استقرار حکومت اسلامی در افغانستان :

یکی از اهداف بزرگ نهضت و مقاومت اسلامی ما در

سرزمین افغانستان برقراری حکومت اسلامی است برای رسیدن به این هدف مقدس مانا گزیرباید طرح و پروگرام مشخص و واقع بینانه را تهیه و برای مردم خود مقوله حکومت اسلامی را بایده روشن نمود تا کلیه ابهامات و شبهات از آن برداشته شود تا کنون برای حکومت آینده و کیفیت و چگونگی نظام بعدی در افغانستان فرمولها و طرحهای مختلف از طرفهای مختلف ارائه شده که ما بصورت مختصر به هر یک از آنها اشاره می کنیم و در پایان طرح مورد نظر شورا را برای رسیدن به حکومت اسلامی بیان می داریم

الف - طرح دولت مصالحه ملی روسها و بانددموکراتیک:

طرح آشتی و مصالحه ملی در حقیقت داستان شکست دشمن در شاخته های نظامی، عقیدتی و سیاسی است؛ پس از جریان ۹ سال جنگ و خونریزی شدید در افغانستان وعدم موفقیت نظامی، روسها ناگزیر اقدام به تغییر موضع می کنند موضع نظامی را بصورت یکجانبه تغییر داده و در سال ۱۳۶۶ اعلان آتش بس می نمایند این موضع گیری از طرف مجاهدین رد و جها د علیه اشغالگران بشدت ادامه پیدا کرد و بدنبال آتش بس یکطرفه موضوع

مما لحه ملی را دولت و ابسته کا بل مطرح کرد تبلیغات وسیعی را در این رابطه بلوک شرق نمودند و در داخل افغانستان تلاشهای مذبوحانهای برای موفقیت این طرح انجام داد "نجیب" رئیس جمهورنا منها ددعوت از سران مجاهدین و حتی دعوت از ظاهرشاه پادشاه سابق افغانستان برای شرکت در این طرح بعمل آورد و ریاست دولت را به او پیشنهاد کرد. روسها جهت بقاء و دوا دولت به اصطلاح مما لحه ملی تدا بیری را در سطح داخل و خارج افغانستان سنجیده و کلیه تلاشها را در جهت ثبات آن انجام می دهد سا زمان جهنمی کا - گ - ب نیروها و عناصر ما رکسیست را در ساحتها ی مختلف سا زمان دهی می کند و محصلینی که در سالهای اول کودتا به روسیه رفته بودند را پس از آموزش و تربیت به افغانستان برگردانده سا زمانهای مختلف و جرگه های قومی و قبیللهای تشکیل داده احزابی مثل حزب دهقانان حزب کارگران - انقلابی، حزب اسلامی جمهوری دموکراتیک - افغانستان وزارت شئون اسلامی، جبهه ملی پدروطن - سا زمان جوانان و ... تمام این تشکیلاتها فقط برای - محکم کردن پایه های متزلزل دولت ما رکسیست کا بل -

انجام شده، در خارج افغانستان روسها با فشاری و اصرار دارند که بعد از خارج شدن، دولت رسمی و قانونی همین دولت مصالحه ملی باشد، پاکستان نمی خواست موافقت نامه ژنورا که شامل چهار سند به ترتیب ۱- خارج شدن نیروهای روسیه ۲- بازگشت مهاجرین با افغانستان ۳- عدم مداخله افغانستان و پاکستان در مسائل یکدیگر ۴- تضمین بین المللی از ناحیه روسیه و آمریکا می باشد با دولت فعلی افغانستان امضاء کنند زیرا امضاء آن با دولت کابل بمعنی به رسمیت شناختن آن بود و لسی سرانجام در اشراف روسها پاکستان تسلیم شد و موافقت نامه را با دولت مزدور کابل امضاء کرد، فشار بر پاکستان باین صورت بود زیرا وقتیکه قضیه افغانستان را صدر اعظم پاکستان محمد خان "جونی جو" در مشاوره ملی میگذارد از حزب چپ یکصد خواستار امضاء موافقت نامه با دولت کابل میشوند البته هندوستان خود فشار دیگری بر پاکستان است، این تحولات در جهت برسمیت شناختن دولت مزدور کابل و دولت با صطلاح مصالحه ملی تا کنون صورت گرفته است.

ب- دولت ائتلافی مورد نظر پاکستان :

پاکستان با توجه با ارتباط مستقیم که با قضا

افغانستان دارد و حدود سه ملیون مهاجر در آن کشور
است و احزاب هفتگانه چریکی در پیشاور مرکزیت دارند
در خلال ۹ سال مرکز جلب تمام کمک ها و مساعدتهای
بین المللی بود و در تمام حوادث سیاسی نظامی
افغانستان مستقیم و غیر مستقیم نقش بسزائی داشت
در جریان شش سال مذاکرات ژنو و دهمین دور آن
پاکستان بعنوان یک طرف قضیه دخالت میکرد و سرانجام
بعنوان یک طرف قضیه افغانستان قرارداد خائنه
ژنوا امضاء کرد، لذا پاکستان برای آینده افغانستان
طرح دولت ائتلافی را پیشنهاد نمود و اصرار دارد که باید
قبل از خروج نیروهای اشغالگر دولت ائتلافی مرکب
از مجاهدین و دولت کابل تشکیل شود در حقیقت این
دولت مرکب از سه جناح اسلامی، ملی و مارکسیست خواهد
بود بعبارت دیگر از نظر پاکستان باید دولتی تشکیل
شود که در آن تمام جناحها از جمله حزب مارکسیست خلق
و پرچم در آن شریک باشند کرا را "این موضع را ضیاء الحق
و صدرا عظم محمد خان" جونی جو "علامه داشته اند مجاهدین

باید واقع بین باشند یعنی در تشکیل دولت ائتلافی

و در شدیدترین و حادثه‌ترین تحولات نظامی و اجتماعی افغانستان و در جهت حل درست بحرانها و پیربلمه‌های اجتماعی و استفاذه درست و عادلانه ز نهضت بزرگ اسلامی ملت مسلمان خویش بایدکاری نمایم که آرمانها و آرزوهای بزرگ شهدا، عزیزانقلاب اسلامی خویش را برآورده و پرچم خونین گلگون کفان را سربلند و برافراشته نگه‌داریم بدرستی که رسالت ما بس بزرگ و کوله‌بار ما بسیا ر عظیم و تاریخی است . تطبیق حاکمیت اسلام در افغانستان مبارزه با انحرافات چپ و راست و حرکت در راستای ارزشهای الهی و تحقق آرمانهای مقدس شهدا هر کدام با ر بسیا ر سنگین و وزینی است که امروز به دوش ما قرا ر گرفته .

بر همین اساس و فلسفه است که شورای ائتلاف اسلامی افغانستان تشکیل شده تا بتواند احزاب اصیل اسلامی با تشریک مساعی و تفاهم و همکاری گامی فراپیش در جهت تحقق مبانیهی فکری سیاسی جهاد مقدس اسلامی خود بردارند . چه به تنهایی هیچ جریان قادر به حرکت و تداوم راه نیست . با تعدد و تحزب هیچ مشکلی و معضله‌ای از پیش رو برداشته و حل

نخواهد شد . روی این جهت اعضاء شورای ائتلاف اسلامی افغانستان

آینده با یی‌حزب ما رکسیست وابسته به روسیه عضویت داشته باشند و بدون آنها امکان ندارد استدلال پاکستان برای طرح دولت ائتلافی این است که افغانستان تبدیل بحمام خون نشود و گانه را ه نجات از جنگ و خونریزی بعدی بوجود آمدن یک چنین دولتی است آمریکا هم موافق این طرح است و از آن بصراحت پشتیبانی نموده دلیل حمایت آمریکا این است که اگر یک چنین دولتی که مرکب از سه جناح اسلامی، ملی و مارکسیست باشد و نیروهای روسیه از افغانستان خارج شود بدون تردید این دولت دچار کشمکش‌ها و نزاع‌ها برای کسب قدرت و نفوذ بیشتر خواهد شد در این کشمکش تنها جناح روسیه با زنده است زیرا این جناح مورد تنفر مردم و مارکسیست و عامل ۹ سال فاجعه در افغانستان و زمینه ساز اشغال افغانستان بوده لذا براحتی از بین میرود و قدرت از آن جناح‌ها می‌شود که حساسیت ضد آمریکائی ندارند و برخی از آنها وابسته هم‌منی باشند و به این دلیل است که غرب خصوصاً آمریکا از دولت ائتلافی مورد نظر پاکستان پشتیبانی می‌کند.

ج- دولت موقت و عبوری احزاب هفت گانه :

احزاب سه گانه و چهار گانه در پاکستان طرح دولت عبوری ارائه داده اند نجینیر (مهندس) احمد شاه معنا و ن پرفسور عبدالرسول "سیاف" را بریاست دولت موقت که شامل ۲۸ وزیر میشود پیشنها دکردند، هفت حزب ۱۴ وزیر و ۷ وزیران زمامت جری و ۷ وزیر دیگران زمامت نهائی وابسته بدولت کابل که جمعا " ۲۸ وزیر میشود، این طرح در زمان ریاست مولوی یونس خالص داده شدانجینیر (مهندس) گلبدین حکمت یار ظاهران "تغییراتی نداده و فعلا" طرح دولت عبوری احزاب هفت گانه همین است، باعتبار ما این طرح بسیار ناقص و مبهم و مطابق با واقعیت های عینی افغانستان نیست لذا نمی تواند دلال مشكلات و بحرانی های داخل افغانستان باشد زیرا جامعاً افغانستان مرکب از ملیت های مختلف و دو مذهب بزرگ اسلامی جعفری و حنفی است و بدون تردید درجهاد افغانستان کلیه احزاب و سازمانها و ملیت ها نقض اشتند و رزم پیروزی و تداوم جها فقط در ظل وحدت همه مردم بود لذا هیچ ملیتی و حزبی نمی تواند ادعا کند که با رجهاد را بتنها می بدوش گرفته، بلکه در این جهاد

بزرگ وفی سبیل ا . . . همه اقوام شرکت جستند بنا بر این
 باید طرحی برای دولت آینده ریخته شود که شامل همه اقوام
 احزاب ملیت ها باشد و هر دو مذهب بزرگ جعفری و حنفی
 در آن نقش داشته باشد در طرح دولت عبوری ۱۴ وزیر از هفت
 تنظیم مستقر در پاکستان آمده اما احزاب شیعی مستقر
 در ایران که بصورت شورای ائتلاف عمل میکنند در این طرح
 نیست و این اولین مشکل دولت عبوری و موقت خواهد بود
 ۷ وزیر از مهاجرین ذکر شده معلوم نیست که معیار انتخاب
 آن چگونه است و تحت چه شرایطی می تواند این ۷ هفت
 وزیر تعیین و انتخاب شود ۷ وزیر از مسلمان های وابسته
 بدولت کابل (وابسته به مارکسیست) در طرح آمده که
 با اعتقاد ما مبهم و شبهه آمیز است این ۷ نفر مسلمان
 وابسته بکمونیزم است از نظر ما همان قاتلین ملت مسلمان
 است آیا درست است که حاصل جهاد مقدس و شمرات و برکات
 خون شهداء را همین بدانیم ؟ و برای آینده کشور اسلامی
 این چنین طرح بریزیم ؟

د - طرح تشکیل شورای انقلاب برای ایجاد حکومت

اسلامی در افغانستان :

پس از اینکه راجع به آینده کشور طرح های مختلف

فوق را بررسی کردیم ضروری است نظرشورا را نسبت به هریک مشخص نمائیم و در مورد طرح روسها و دولت ما رکسیست کا بل و طرح دولت با صلاح مصالح ملی اعتقاد ما این است که یک طرفند و روسی است موضع ما در برابر دولت مزدور کا بل و طرح دولت آشتی ملی، تداوم جهاد مسلحانه است. و هرگونه مذاکره جهت تشکیل دولت ائتلافی با دشمن را مردود دانسته و آنرا محکوم بخیانیت میدانیم. اما در مورد طرح دوم که از طرف پاکستان ارائه شده طرح دولت ائتلافی که در آن هر سه جناح اسلامی ملی و مارکسیست شریک باشند و یک چنین دولتی با این میکا نیز موجود آید و آینده افغانستان را اداره نماید موضع ما در برابر این طرح این است که آنرا بدور از آرمان جهاد مقدس خود میدانیم هدف جهاد در افغانستان استقرار حکومت اسلامی می باشد و طرح دولت پاکستان یک طرح غیر اسلامی است و ما آنرا مردود میدانیم و به هیچ کشور خارجی اجازه چنین دخالت های قیم گونه را نمیدهیم و دولت پاکستان هیچ اجازه در تعیین حکومت برای ملت مسلمان افغانستان را ندارد. در مورد طرح که احزاب

هفتگانه مقیم پیشاور ارائه داشته اند همانطور که بیان

کردیم این طرح در یک کلام ناقص، مبهم و غیرمطابق با واقعیت‌های عینی و اجتماعی افغانستان می‌باشد و هرگز مشکلات جاری کشور را حل و فصل نمی‌تواند.

اما طرح مورد نظر شورای ائتلاف اسلامی به‌این صورت است که پس از خروج نیروهای روس از افغانستان بلافاصله یک شورای انقلاب اسلامی مرکب از احزاب اسلامی افغانستان اعم از شیعه و سنی که اعتقاد به تشکیل حکومت اسلامی در افغانستان داشته باشند تشکیل شود این رسم تمام انقلاب‌های جهان بوده است که نیروهای مقاومت برای اداره کشور شورای انقلاب تشکیل میدادند در افغانستان هم باید به این صورت باشد که تمام احزاب مسلمان شیعه و سنی که اعتقاد را سخ به حکومت اسلامی دارند شورای انقلاب تشکیل دهند.

وظایف شورای انقلاب عبارت است از تشکیل و لغو وقت جهت:

الف - ایجاد امنیت و جلوگیری از جنگ‌های احتمالی:

زیرا این مسئله برای همه مشخص است که نقش عمده

را در جهاد مقدس اسلامی ما احزاب و سازمان‌های اسلامی

داشتند و توجیه حرکت مردم بسوی جهاد و عامل بسیج

وتشویق ملت احزاب اسلامی بوده است در فردای افغانستان فقط همین احزاب و سازمانهای مسلح می توانند باعث امنیت و ثبات باشند و جلوگیری از جنگهای احتمالی نمایند به اعتقاد ما امنیت، صلح و جلوگیری از مشکلات و مصائب اجتماعی را فقط دولت موقت زیر نظر شورای انقلاب اسلامی می تواند دحل نماید .

ب - تشکیل مجمعی برای تدوین قانون اساسی :

دومین رسالت و وظیفه شورای انقلاب تدوین قانون اساسی است که ضامن حقوق تمام ملیتها و مذاهب باشد تدوین قانون اساسی بر پایه قرآن و سنت و ملاحظه مصالح اجتماعی کشور بستگی دارد به تشکیل یک مجمع زبده و خبره از علماء و متفکرین اسلامی و کارشناسان مذهبی و حقوقدانان افغانستان این مجمع قانون اساسی را تدوین نماید که بر پایه قرآن و سنت و حافظ منافع و مصالح تمام اقشار ملت افغانستان باشد .

ج - انتخابات عمومی :

قانون اساسی که مجمع انتخابی از سوی شورای انقلاب تدوین نموده مورد تأیید و تصویب شورای قرا گرفته و علاوه بر آن باید در رای عامه قرار بگیرد که ملت

مسلمان افغانستان در یک انتخابات عمومی و سراسری آن را تأیید و تصویب نماید .

د - تشکیل حکومت اسلامی :

آخرین وظیفه شورای انقلاب و دولت موقت تشکیل حکومت اسلامی بر اساس قانون اساسی است که برپایه قرآن و سنت و مصالح عامه که مورد تأیید شورای انقلاب و تصویب مردم قرار گرفته طبق این قانون منتخب میشوند و دولت اسلامی در افغانستان بوجود آورده شود . رئیس جمهور ، صدراعظم (نخست وزیر) مجلس و کابینه دولت باشد . شرایط رئیس جمهور و صدراعظم و نحوه انتخاب و همینطور تشکیل دولت و مجلس شورای اسلامی و ... کلاً بصورت مشروح در قانون اساسی بیان گردیده .

در پایان بررسی مواضع و طرح تشکیل شورای انقلاب این نکته را یادآور می شویم اگرچنانچه مراجع به سرنوشت آینده افغانستان از سوی احزاب برادر درپیش و بر برخوردی منطقی و واقع بینانه صورت نگیرد با توجه به شرایط مساعدی که در مناطق آزاد شده در اختیار است و حدود ۸۰٪ خاک آزاد شده افغانستان اکثراً در

اختیار شورای ائتلاف اسلامی می باشد و با توجه به حمایت

همه جا نبه مردم و حضور فعال و گسترده نظامی سیاسی
اعتقادی در مناطق آزاد شده و با روحیه جهاد و شهادت
و ایثار و فداکاری ملت مظلوم افغانستان شورای
ائتلاف اسلامی می تواند اقدام به تشکیل دولت موقت
متناسب با واقعیتهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی
افغانستان بنماید .

شورای ائتلاف اسلامی افغانستان

۱۳۶۷/۲/۱۹

فهرست

عنوان =====	صفحه ===
مقدمه	۱
اصل اول استقلال	۳
عدم وابستگی به سیاستهای حاکم بر جهان	۵
رابطه متقابل براساس احترام متقابل	۶
تکیه به استعدادها و خودی	۷
استقلال اقتصادی	۸
اقتصاد متکی بخود و جامعه	۹
استقلال نظامی	۱۰
تغییر سیستمهای حاکم بر نظامهای قبلی	۱۱
تربیت و همگانی بودن ارتش	۱۱
عدم تعهد با پیمانهای نظامی شرق و غرب	
واقم رآنها	۱۲
استقلال فرهنگی	۱۲
بالا بردن سطح فرهنگی جامعه	۱۳
ایجاد زمینه های رشد و شکوفایی و مبارزه با تعصب	۱۳
مبارزه با فرهنگ و ارداتی مارکسیزم و سرمایه داری	۱۴
استفاده از تجربیات سایر ملل	۱۴
اصل دوم آزادی	۱۵
آزادیهای اجتماعی	۱۸
آزادیهای سیاسی فرهنگی، مطبوعاتی	۲۰

B
4.446
ICC
2648

«مردم افغانستان سرنوشت خودشان را تعیین کرده و استقلال واقعی خود را تصمصم می کنند.»
امام خمینی

«فریاد برائت ما، فریاد ملت مظلوم و ستم کشیده افغانستان است.»
امام خمینی



=====

=====

۲۱	آزادی مذهبی
۲۲	آزادی اجتماعی سیاسی و حقوقی زن در جامعه
۲۴	افغانستان
۲۴	اصل سوم، تشکیل حکومت اسلامی
۲۴	استراتژی جهاد مسلحانه
۲۵	استقرار حکومت اسلامی در افغانستان
۲۶	طرح دولت مصالحه ملی روسها و باندمکراتیک
۲۸	دولت ائتلافی مورد نظر پاکستان
۳۱	دولت موقت و عبوری احزاب هفتگانه
	طرح تشکیل شورای انقلاب برای ایجاد حکومت
۳۲	اسلامی در افغانستان
۳۴	ایجاد امنیت و جلوگیری از جنگهای احتمالی
۳۵	تشکیل مجمعی برای تدوین قانون اساسی
۳۵	انتخابات عمومی
۳۶	تشکیل حکومت اسلامی

در طی طولانی ترین بحث ها و نشست ها و در جمع بندی از خطوط کلی و محوری با این نتیجه رسیدند که ابتداء اصول کلی حرکت و استراتژی ائتلاف مشخص گردد در بحث بررسی کلا "با این مواضع اتفاق نظر حاصل شد که خطوط کلی و مواضع سیاسی در موقعیت حاضر عبارت است از:

- ۱- استقلال
- ۲- آزادی
- ۳- تداوم جها د مسلحانه
- ۴- استقرار حکومت اسلامی در افغانستان

که به ترتیب بشرح و بسط هریک از مقوله های فوق به صورت کلی و مختصر می پردازیم:

۱- اصل اول استقلال:

این مقوله یکی از غنی ترین مقوله ها و محورهای است که در عرف سیاسی دروسیع ترین شکل ممکن تجزیه و تحلیل شده است البته با اعتقاد ما استقلال قبل از هر چیز ریشه در عمق وجدان و فطرت بشری دارد خداوند انسان را در عرصه زمین و زمان اما نت دارد خود آفریده عبودیت و بنده گی انسان در عرصه گیتی فقط برای خدا و در جهت رضای خداست در رابطه با نوع خود انسان مستقل و آزاد آفریده شده بگفته مولی امیرالمومنین (ع): ولاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا خدا آدمی آزاد و مستقل

آفرید . بنا براین استقلال یک مقوله فطری و وجدانی است ولی از آنجائیکه انسان مدنیة الطبع است و خلق و عادت جمعی همواره در وجود او شعله و روزنده می باشد در بسترا اجتماع و در روابط فی ما بین و متقابل و در نظامها و سیستمهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی استقلال بعنوان اصلی ترین مسأله مطرح می گردد . مسأله تا آن حد پیچیده و مهم است که امروز رژیم ها و نظامهای مزدورو وابسته کثیف ترین و خطرناک ترین نظامها برای مردم خود می باشند نظامهای وابسته حکومت های بدون استقلال و مزدور و جریانات سیاسی غیرمستقل در حقیقت آفت و بلائی خانمانسوز و ویران گروتباه کننده اند در آمریکای لاتین در افریقا در آسیا و در خصوص خاورمیانه امروز حکومت های وابسته و مزدور زیانها و خسارات جبران ناپذیری برای ملل مظلوم و دربند وارد کرده اند . فاجعه خونین و دوران سیاه اشغال نظامی افغانستان توسط چکمه پوشان سرخ حاصل نظامهای کثیف گذشته و نظام مزدور کابل می باشد که این سوغات شوم را برای ملت ما بارمغان آورد . لذا ملت مسلمان ما زمانی روی آسایش می بیند و زمانی

دارای نظام ثابت و استوار خواهد بود که استقلال همه جانبه داشته باشد. آراء مشروطیت اسلامی و بانیتانی ما در صورتی ممکن است و استعداد های آیین ملت در شرایطی شکوفا و تکامل می یابد که استقلال سیاسی نظامی فرهنگی و... داشته باشیم و یکی از اهداف مهم شورای ائتلاف اسلامی افغانستان رسیدن به استقلال همه جانبه می باشد.

الف - استقلال سیاسی با رعایت و اجرای معیارهای ذیل در افغانستان تحقق می یابد :

۱- عدم وابستگی به سیاست های حاکم بر جهان

اهمیت آیین اصل با نگاه کلی به اوضاع و احوال کشورهای جهان سوم و کشورهای تحت تسلط استعمار شرق و غرب بخوبی مشخص می گردد امروز رژیم های مزدور وابسته به شرق و یا به غرب و وابستگی آیین گونه رژیم ها کلیه ذخایر و منابع فرهنگی اقتصادی و معنوی کشورهای و ملت ها را بر باد فنا دادند مصائب و مشکلات در کشورهای اسلامی جنگ و خونریزی در افغانستان تاج و عراق برای آیین قتل عام مردم فلسطین سرکوب

مسلمانان در مصروتونس و... همه معلول و بسته‌گی

و بردگی و نداشتن استقلال سیاسی می باشد لذا در آینده
سیاسی افغانستان معتقدیم که نظام اسلامی بوجود آید
که مستقل از سیاست‌ها کم‌برجها و غیر وابسته به آنها باشد

۲ - رابطه متقابل بر اساس احترام متقابل :

پس از بررسی موضوع وابستگی که در حقیقت همان
مزدوری و تسلط‌پذیری قدرت استکباری خارجی است و
گفتیم که ما معتقد به اصل عدم وابستگی می باشیم مساله
رابطه متقابل مطرح می گردد این طبیعی است که
افغانستان در جغرافیائی زمین و در بستر زمان نمیتواند
بریده و مجزای از جهان رفتار نماید و با بطنی با جهان
برقرار نماید این رابطه با اعتقاد ما که مسلمان هستیم
با دید بر اساس تعالیم اسلام و احترام متقابل تنظیم
شود با ملاحظه به رهنمودهای اسلام و احترام دوجانبه
ما می توانیم با تمام کشورها خصوصاً "کشورهای اسلامی
رابطه‌های فرهنگی سیاسی اجتماعی داشته باشیم .

افغانستان در گذشته دور و نزدیک پویشگاه زیبا ترین وقوی ترین استعداد های سیاسی علمی بوده که هر کدام ذخاثری برای عالم اسلام است و این استعداد ها را بدون تردید در شرایط فعلی هم داریم در بطن جامعه و در دل اجتماع استعداد های خلاق و ارزنده سیاسی نظامی وجود دارند جنگ و جهاد ۹ ساله بخوبی نشان داد که فرزندان مسلمان ما چه ابتکارات گرانبهای و چه تجربیات فوق العاده نظامی از خود نشان دادند هیچ قدرت خارجی در جنگ های شدید پارتیزانی ملت ما را هدایت و رهبری نکرد این خود ملت مسلمان ما بود که را خود را می کرد و سرنجام هم در صحنه پیکار موفق از کار درآمد امروز در صحنه های سیاسی عوامل بی استعداد و مفلوک وابسته سعی می کنند که ملت را طفل سیاسی و بی کفایت قلمداد نمایند لذا گاهی ظاهراً شاه این مرده سیاسی و گاهی عنصر دیگری را فرشته نجات ما می خوانند ما معتقد هستیم همانطور که ملت ما در جنگ استعداد خود را نشان داد در راه سیاسی کشور هم مستعد و آماده خواهد بود و این استعداد های خلاق را فعلاً"

ودر آینده خواهیم داشت .

ب - استقلال اقتصادی :

هما گونه که شرح دادیم استقلال برای یک کشور در
 ابعاد و وجه های مختلف آن قابل طرح است مثلاً "یک کشور
 اگر سیاست مستقل نداشته باشد نمی تواند دارای استقلال
 اقتصادی باشد و یا برعکس این مقوله ها با هم را بطه
 ارگانیک دارند سیاست مستقل بستگی با اقتصاد مستقل
 و فرهنگ مستقل و نظام مستقل دارد در کل یک جا معده در
 صورتی به استقلال کامل و همه جا نبه نائل می شود که در
 تمام زمینه ها مستقل و خودکفا باشد پس از بحث استقلال
 سیاسی و برشمردن ضابطه های آن می پردازیم به استقلال
 اقتصادی .

اقتصاد در جامعه بشری اهمیت بسزائی دارد و در
 تحولات تاریخی نقش اساسی را داشته است اقتصاد و عوامل
 تولید در تحولات و دگرگونی های اجتماعی تا آن حد مهم
 بود که ما رکس و ما رکسیزم را بکمراهی کشانده در فلسفه
 تاریخ ابزار تولید را زیربنائی انقلابات و تحولات
 تاریخی می شمارد بهر حال از دیدگاه ما اقتصاد زیربنا

تا ریخ نیست اما اقتصاد درل عمده در تحولات تاریخی داشته است لذا در جریانات اجتماعی و سیاسی افغانستان و برای رسیدن به یک اقتصاد مستقل روی محورهای زیر تکیه اساسی داریم .

۱- اقتصاد متکی بخود و جامعه :

اساس حرکت ما در رشد و شکوفائی اقتصادی باید ذخایر و منابع خود افغانستان باشد به عبارت دیگر هر آنچه ما داریم زراعت کله داری ذخایر طبیعی دیگر، باید با برنامهریزیهای دقیق هسته‌های اولیه و خام را توسعه و گسترش دهیم زراعت با استفاده از دانش امروز که در اختیار داریم از حالت ابتدائی آن بیرون و حتی امکان آن را مکات نیزه نمائیم منابع طبیعی با استفاده از همکاریه‌های متقابل خصوصاً کشورهای اسلامی استخراج شود خطوط مواصلاتی که درل عمده در شکوفائی اقتصاد دارد توسعه پیدا نماید و در یک کلمه جهت استفاده از منابع کشاورزی و برای قطع استثمار و رفع نیازهای مادی جامعه بلندترین کادر حد توان برداشته شود .

۲- طرح مدون اقتصادی بر اساس تعالیم اسلام :

همانگونه که سیاست ما اسلامی و ارتش و نظام ما

خط مشی کلی و مواضع سیاسی

شورای ائتلاف اسلامی افغانستان



اعلام خط مشی کلی و مواضع سیاسی

شورای ائتلاف اسلامی افغانستان



نام کتاب : خط مشی کلی و مواضع سیاسی شورای
ائتلاف اسلامی افغانستان

ناشر : شورای ائتلاف اسلامی افغانستان .

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۶۷

تعداد چاپ : ۵۰۰۰ نسخه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وقف اہل بیت علیہم السلام علی شہداء حارہ

